ادامه از صفحه اول

چرا باید از افزایش تعداد نمایندگان زن دفاع کرد؟

این درحالی است که باوجود تلاش‌های فراوان در مجلس دهم از جمله سؤال از وزرا درباره توجه آنان در انتصابات به شایسته‌گزینی و عدالت جنسیتی بر اساس موازین اسلامی، هنوز تعداد زنان در سطوح بالای مدیریتی نظیر فرماندار، استاندار، معاون وزیر، بسیار اندک است. در یک کشور اگر زنان در ارکان مهم تصمیم‌گیری، از ایفای نقش‌های اثرگذار حذف شوند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ نمونه آن اینکه هم‌اکنون ۴۰ درصد زنان ازجمله کارکنان دولت هستند اما نقش آنان در مدیریت سطوح بالا بسیار کم است. عدم بهره‌برداری از بخش مهمی از سرمایه انسانی نهادها و سازمان‌های دولتی سطوح بالای مدیریتی چه اثری بر تصمیم‌گیری‌ها دارد؟ این به معنای آن است که کشور نیمی از جامعه فعال خود را که برای آموزش به آنها سرمایه‌گذاری نیز کرده، در تصمیم‌سازی نادیده می‌انگارد.

البته سرمایه‌گذاری برای افزایش میزان حضور زنان در فعالیت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی پس از انقلاب اسلامی قابل کتمان نیست؛ سرمایه‌گذاری به دور از تبعیض جنسیتی در بسیاری از حوزه‌های آموزشی و علمی به نحوی بوده است که زنان در این حوزه‌ها نه‌تنها دوشادوش مردان رشد کرده‌اند بلکه در بسیاری زمینه‌ها نیز درخشیده‌اند. اما بی‌شک کم‌بودن تعدادن نمایندگان زن در مجلس که وظیفه قانون‌گذاری را بر عهده دارد، یکی از عواملی است که به دلیل دراقلیت‌بودن در پارلمان، نتوانند به خوبی طرح‌ها و لوایح مربوط به حوزه زنان و خانواده را که در چارچوب کلی‌تر برای کل جامعه مفید خواهد بود، به‌طور مطلوب به سرانجام برسانند.

وضعیت ایران در دنیا: واقعیت آن است که بر اساس آمارهای جهانی و مقایسه میزان حضور زنان در پارلمان‌های کشورهای مختلف دنیا، وضعیت مشارکت سیاسی زنان ایرانی در سطح پارلمان مطلوب نیست. گواه این مدعا، جدیدترین گزارش آماری است که اتحادیه بین‌المجالس جهانی (IPU) در ژانویه ۲۰۱۹ منتشر کرده و نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حضور نمایندگان زن در مجلس در رتبه ۱۸۰ دنیا از میان ۱۹۱ رتبه قرار دارد. این گزارش از تنزل رتبه ایران نسبت به گزارش پیشین اتحادیه بین‌المجالس جهانی حکایت دارد و دلیل این تنزل، روند روبه‌رشد سطح مشارکت سیاسی زنان در مجالس سایر کشورهاست.

معیار IPU در این گزارش، نتیجه آخرین انتخابات پارلمانی است که در هر کشور برگزار شده و بر این اساس برای ایران، آخرین انتخابات مجلس شورای اسلامی را که در اسفند سال ۹۴ برگزار شد، در نظر گرفته که از میان ۲۹۰ نماینده راه‌یافته به پارلمان، تنها ۱۷ نماینده زن هستند. با وجود آنکه در دوره دهم مجلس شورای اسلامی، بیشترین تعداد نمایندگان زن نسبت به ادوار پیشین به مجلس راه یافتند اما در همین دوره نیز کرسی‌های اختصاص‌یافته به زنان کمتر از شش درصد (۵،۹) بوده است. جالب‌تر آنکه تنها ۱۳ کشور در دنیا، از حیث تعداد نمایندگان زن پارلمان، در رتبه‌های نازل‌تری نسبت به جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته‌اند. نیجریه با ۵،۶ درصد، تایلند با ۵،۴ درصد، سریلانکا با ۵،۳ درصد، لبنان با ۴،۷ درصد، مالدیو با ۴،۷ درصد، کویت با ۴،۶ درصد، هاییتی با ۲،۵ درصد، جزایر سولومون با دو درصد، عمان با ۱،۲ درصد و یمن با سه‌دهم درصد از جمله کشورهایی هستند که پس از جمهوری اسلامی ایران در نازل‌ترین رتبه‌ها از منظر میزان مشارکت سیاسی زنان در سطح مجالس قانون‌گذاری قرار دارند. البته سه کشور دیگر نیز حتی یک نماینده زن در پارلمان خود ندارند.

با این همه درصد حضور زنان در مجلس ایران نه‌تنها از میانگین جهانی (۲۴،۳ درصد) بسیار پایین‌تر است بلکه با میانگین منطقه‌ای در آسیا و خاورمیانه نیز فاصله دارد. جدیدترین آمار اتحادیه بین‌المجالس جهانی، درصد مشارکت سیاسی زنان در سطح مجلس قانون‌گذاری را در منطقه آسیا ۱۹،۹ درصد و در خاورمیانه ۱۹ درصد اعلام کرده است. بررسی جزئی‌تر این آمار نشان می‌دهد بسیاری از کشورهای منطقه از منظر تعداد نمایندگان زن در وضعیت بهتری نسبت به ایران قرار دارند. برای نمونه هم‌اکنون ۲۷،۳ درصد از کرسی‌های مجلس افغانستان به زنان اختصاص یافته، در قزاقستان زنان ۲۷،۱ درصد کرسی‌ها را به دست آورده‌اند و در عراق هم میزان مشارکت سیاسی زنان در سطح پارلمان ۲۵،۲ درصد است. امارات و پاکستان نیز ازجمله کشورهایی هستند که بیش از ۲۰ درصد کرسی‌های پارلمان را به زنان اختصاص داده‌اند. همچنین زنان در عربستان سعودی ۱۹،۹ درصد از کرسی‌های پارلمان را در اختیار دارند. آمار IPU همچنین میزان مشارکت سیاسی زنان در پارلمان دو کشور قرقیزستان و تاجیکستان را بیش از ۱۹ درصد اعلام کرده است. در ادامه ترکیه با ۱۷،۴ درصد، جمهوری آذربایجان با ۱۶،۸ درصد، سوریه با ۱۳،۲ درصد و قطر با ۹،۸ درصد ازجمله دیگر کشورهای منطقه هستند که از حیث تعداد نمایندگان زن در مجالس‌شان وضعیت بهتری نسبت به ایران دارند.

politics@sharghdaily.ir

منتقدان موازی دولت روحانی

جواد امام
دبیرکل مجمع ایثارگران

نقدهای اخیر به عملکرد دولت در ماجرای سیل سراسری را می‌توان از دو منظر مورد توجه قرار داد. یک؛ از منظر حوزه اختیارات و مسئولیت‌های دولت و دو؛ از منظر اهداف و نیاتی که منتقدان در این چند روز انتقاداتی را به دولت وارد کردند. در باب انتقاداتی که به لحاظ عملکردی به دولت از سوی حامیان برخی جریان‌ها مطرح شد، این نکته را باید مورد توجه قرار داد که منتقدان از چه جنسی هستند؟ به اعتقاد من، منتقدان به دولت در ماجرای سیل اخیر، از نهادهایی هستند که موازی دولت حرکت می‌کنند. در حقیقت پررنگ‌شدن این انتقادات هم از سوی همین جریان موازی صورت گرفت؛ جریانی که بخشی از اختیارات دولت را برعهده دارد؛ اما عمده مسئولیت‌ها برعهده دولت است. این اختیارات در حالی در درست جریان سیاسی رقیب دولت است که دولت در استفاده از اختیارات و نیز مدیران توانمند، خود با محدودیت مواجه است.

البته بخشی از این موضوع هم به بخشی از خود دولت بازمی‌گردد که مانع استفاده از توانایی مدیران قابل شده است و از این زاویه هم به دولت نقد وارد است. دولتی که اختیارات لازم را ندارد تا بتواند پاسخ‌گو باشد.

بااین‌حال از منظر افکار عمومی، دولت مسئول اصلی است و در حوادثی نظیر سیل اخیر هم نوک پیکان توجهات قرار می‌گیرد؛ اما در مجموع باید بین حوزه اختیارات دولت و مسئولیت‌خواستن از آن تناسبی وجود داشته باشد. درباره موضوع دوم یعنی اهداف و نیات منتقدان که گفته شد از جریانات موازی دولت هستند، باید این نکته را تأکید کرد که این انتقادات بالاخره اهداف انتخاباتی دارند؛ چراکه سرمایه اجتماعی که در جامعه وجود دارد، متعلق به جریان اصلاح‌طلبی است؛ اما این موضوع را هم باید برای ثبت در تاریخ و چندین‌باره متذکر شد که دولت روحانی، دولت اصلاح‌طلبی نیست و تنها با حمایت اصلاح‌طلبان سر کار آمده است؛ اما منتقدان و مخالفان با این سوگیری، هم قصد تخریب دولت را دارند و هم قصد تخریب جریان اصلاح‌طلبی را؛ بنابراین این نقدها و تخریب‌ها کاملا حساب‌شده با هدف انتخاباتی مطرح می‌شود.

حسین مرعشی با اشاره به انتقادها از دولت در ماجرای سیل: انتقام بود

روحانی به مخالفان بهانه می‌دهد

شرق: نحوه مواجهه مسئولان با سیل سراسری و بحرانی که به صورت زنجیره‌ای استان‌های کشور را درگیر کرده بود، با انتقادهای زیادی در فضای مجازی مواجه شد. این انتقادات بیشتر دولت را مخاطب قرار داده بود و به فرض نزدیک به واقعیت درباره واردبودن این نقدها، اما این سؤال مطرح می‌شود که انگیزه این مخالف‌خوانی‌ها آن هم از سوی جریان مقابل در کشور چه بوده است؟ آیا این نقدها صرفا از جایگاه خیر عمومی مطرح شده بود یا آنکه نیات و اهداف دیگری را در پس پرده داشت؟ با سید حسین مرعشی، سخنگوی حزب کارگزاران در این زمینه گفت‌وگو کردیم. مرعشی در این گفت‌وگو باوجود آنکه مدیریت سیل سراسری اخیر را مثبت ارزیابی کرد، اما در نهایت در پاسخ به اینکه این نقدها با چه هدفی صورت می‌گیرد، گفت: انتقاد نبود بلکه انتقام بود. او البته گفت روحانی هم به اندازه کافی بهانه به دست مخالفان می‌دهد. این گفت‌وگوی کوتاه را در ادامه می‌خوانید.

مدیریت سیل سراسری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ برخلاف انتقادها، آیا آنچه صورت گرفت، همه توانایی کشور در این بحران زنجیره‌ای بود؟

در ابتدا به همه کسانی که عزیزان خود را در این ماجرا از دست داده اند، تسلیت می‌گویم و برای مردمی که ضررهای مادی داشتند و خانه و کاشانه خود را از دست داده‌اند،آرزو دارم که با کمک دولت و نهادهای امدادی بتوانند به‌سرعت آنچه را که از دست داده‌اند، بازسازی کنند.

سیل اخیر در کنار ضایعاتی که داشت، برکات زیادی را هم برای کشور به همراه داشت. از نظر نمایش انسجام حکومت و نظام و دولت، یک نمایش قدرت برای جمهوری اسلامی بود. همه نهادها به شایستگی در صحنه ظاهر شدند. همچنین وزاری محترم، وزیر کشور، وزیر نیرو، وزیر راه‌وشهرسازی و سایر وزرا و شخص معاون اول رئیس‌جمهوری خوب درخشیدند. من حضور همه نهادها را هم مؤثر و شایسته دیدم. البته طبیعی است که وقتی ۲۶ استان کشور درگیر حادثه می‌شوند، کار متفاوت است با زمانی که فقط یک نقطه از کشور دچار حادثه می‌شود. از قدیم گفته‌اند اگر میهمان یکی باشد می‌شود برای او سفره هفت‌رنگ پهن کرد، اما وقتی که استان‌ها به صورت زنجیره‌ای وارد فاز بحران شدند، امکانات کشور بیشتر از این نبود؛ با این حال (مقامات) به‌خوبی وارد میدان شدند. البته بارندگی هم به صورتی نبود که با فضای عمومی ایران سازگار باشد. در یک دوره کوتاه شدت بارش‌ها به طوری بود که سابقه چنین بارندگی وجود نداشت. هم به رئیس‌جمهور، هم معاون اول و هم نیروهای مسلح و استانداران به طور خاص خسته نباشید می‌گویم. استانداران در خوزستان، ایلام، چهارمحال‌وبختیاری و استان‌های درگیر خیلی خوب ظاهر شدند و امکانات محلی را خیلی خوب بسیج کردند. اما بالاخره سیلی بود که سابقه‌ای از آن نداشتیم و باید ضایعات آن را تحمل کنیم. همچنین سرمایه‌گذاری‌های قبلی در رابطه با سدسازی چقدر خوب جواب داد. در خوزستان حداکثر آبی که از سدها رها شد، یک‌سوم حجم سدها بود و سدها دوسوم آب را کنترل کردند. اگر خدای نکرده سد دز یا کارون یا کرخه نمی‌بودند، یک فاجعه انسانی در خوزستان رخ می‌داد. در مجموع مدیریت خیلی خوبی صورت گرفت و درس بزرگی هم به ما داد که حریم و حرمت طبیعت را نگه داریم.

یک جمله زیبایی از یکی از اساتید دانشگاه نقل شد مبنی‌بر اینکه گفته است رودخانه، خانه رود است، اگر این حرمت را نگه نداریم، رودخانه، خانه خودش را پس می‌گیرد. ما واقعا جاهایی که به حریم رودخانه وارد شده بودیم، خسارت‌های زیادی دیدیم؛ بنابراین فرصت خوبی است هم برای تکمیل کارهای اساسی گذشته و هم فرصت خیلی خوبی داریم برای اینکه مهندسی رودخانه را به سدسازی اضافه کنیم و هم فرصت خوبی است که به آبخیزداری توجه کافی کنیم.

من اگر بخواهم به پیشنهاد سازنده‌ای بدهم و اگر خودم هم در مجلس یا در دولت بودم حتما این کار را می‌کردم، این است که الان زمان آن رسیده که مسئله طبیعت و آب و خاک و محیط را در مدیریت‌ها با هم ببینیم. اکنون زمان تشکیل وزارت آب، خاک و محیط زیست است؛ یعنی بخش آب از وزارت نیرو، بخش منابع طبیعی و خاک از وزارت جهاد کشاورزی جدا شده و سازمان محیط زیست هم به آن اضافه شود و این وزراتخانه تشکیل شود.

ما از خط‌الرأس که شروع کنیم، اول آبخیزداری است، بعد پروژه سدهای تأخیری است و بعد سدهای اصلی و بعد هم سدهای ترکیبی و پخش سیلاب‌ها است و در نهایت هم مدیریت رودخانه‌ها است و زمان این اقدام مهم فرا رسیده است.

باوجود اینکه شما معتقدید...

انتقادات همیشه هست! کار یک عده‌ای در فضای مجازی شده است انتقادکردن...

انتقادها بر اساس برخی واقعیت‌ها صورت می‌گرفت.تصاویر و فیلم هایی منتشر می‌شد که...

ببینید خود همین موضوع هم به آموزش نیاز دارد. شما اگر به تجربه کشوری مثل ژاپن نگاه کنید، در درس‌هایی که در مدارس این کشور تدریس می‌شود، به بچه‌ها آموزش می‌دهند که وقتی حادثه‌ای رخ می‌دهد، آنها حق ندارند، صحنه‌های نگران‌کننده را منتشر کنند. چرا؟ چون اضافه‌کردن به وحشت جامعه و جامعه را ترساندن، خود بخشی از بحران است. ما این مسائل را آموزش ندادیم و آموزش ندیدیم و به همین فرصت‌های خدمت‌رسانی را بعضا به فرصت‌های مچ‌گیری و انتقام‌گیری تبدیل می‌کنیم.

خواهش می‌کنم به سؤال من جواب بدهید، چون شما مطالبی را که مدنظرتان بود، طرح کردید. اتفاقی که در این ماجرا افتاد، گسترده‌تر از بحث سیل بود؛ حجمی از انتقادها در حال مطرح‌شدن بود که...

بالاخره عده‌ای در ایران مخالف دولت‌اند و از هر فرصتی برای ابراز مخالفت استفاده می‌کنند. آقای روحانی هم به اندازه کافی بهانه به آنها می‌دهد.

فکر می‌کنید که این انتقادها صرفا از باب مخالفت است یا ممکن است هدف دیگری پشت این مخالفت‌ها باشد؟

اینها از نشانه‌های توسعه‌نیافتگی یک جامعه است.

این موارد در علل و ریشه‌یابی درست است، اما منظورم این است که این حجم از انتقاد، صرفا نقدی است که ممکن است بخشی از آن وارد باشد.

انتقاد نبود، انتقام است؛ چون در انتخابات نمی‌توانند مردم را قانع کنند که به کاندیدای مورد نظر خود رأی بدهند، از هر فرصتی استفاده می‌کنند که عقده‌گشایی کنند.

نقدها تقریبا تبدیل شده بود به عرصه رویارویی حامیان جریان‌های مخالف دولت و احتمالا اندک سمپات‌های دولت.

هرکس این کار را می‌کند، نشانه عقب‌افتادگی خودش است. من نگران این موضوع نیستم. ما باید به سمتی برویم که کشور را خوب بسازیم.

چالش‌هایی میان دولت و ملت

مهرشاد ایمانی: دولت در روزهایی که می‌گذرد نسبت به رویدادهای سیاسی و اقتصادی بی‌تفاوت است و نوعی کرختی و بی‌حوصلگی، دامن‌گیرش شده؛ سیاست‌های خاص، راهبردی و اجرائی برای حل مشکلات عینی و فزاینده در حوزه‌های اقتصاد کلان، توسعه و سیاست داخلی وجود ندارد و همتی نیز برای تدوین چنین سیاست‌هایی مشاهده نمی‌شود و گویا مسئولان دولتی بسیار زودتر از موعد در انتظار تمام‌شدن دوره چهارساله دولت نشسته‌اند. چنین فضایی علاوه بر آنکه باعث حل‌نشدن و حتی تشدید مشکلات شده، شکافی میان مردم و دولت ایجاد کرده است، به‌نحوی‌که دیگر بخشی از مردم امیدی به رفع معضلات خود توسط دولت ندارند و دولت را از خود و خود را از دولت تصور نمی‌کنند. شاید گفته شود دولت با تکیه بر رأی مردمی از مردم و برای مردم است؛ اما چنین گزاره‌ای در شرایطی صادق است که پیش‌نیازهای فاصله میان دولت و ملت به وجود نیامده باشد. یکی از زمینه‌های این وضعیت زمانی بروز می‌کند که ملت احساس نادیده‌انگاشته‌شدن بکنند؛ یعنی تصور کنند منابع ملی برایشان مصرف نمی‌شود. شاید تبلور این زمینه در رخدادهای طبیعی سیل اخیر شهرهای مختلف ایران و زلزله چندی پیش کرمانشاه دیده شد. دولت در تنظیم سیاست‌های اقتصادی و توسعه‌ای نتوانست بحران‌های ایجادشده را کنترل کند و حتی به وعده‌های خود به‌طورکامل عمل نکرد؛ چنان‌که در زلزله کرمانشاه تا مدت‌ها مردم در چادرها یا کانکس‌ها زندگی می‌کردند و اگر مردم امید به بازسازی داشتند، چشم امیدشان به کمک‌های مردمی بود یا آنکه بسیاری باور دارند سیل اخیر در شهرهای مختلف ناشی از سیاست‌های نادرست دولت در حوزه شهرسازی بوده است؛ البته فقره اخیر را نباید صرفا منتسب به دولت فعلی دانست و بی‌تردید تقصیر متوجه دولت‌های پیشین نیز هست؛ اما دولت حسن روحانی هم چندان نظارتی بر نوع شهرسازی و سازه‌های شهرها و استان‌ها نداشت که اگر داشت دست‌کم خسارت‌های مالی و جانی کمتری را شاهد بودیم. افزون بر آن پس از واقعه نیز مسئولان مانند مردم عادی در کنترل اوضاع مدام اظهار عجز کردند و مانند یک سناریوی تکراری برای جبران آسیب‌ها دست به دامن مردم شدند. کمک‌های مردمی امر بدی نیست، زیرا به‌هرروی در مقطع پدیدآمدن یک بحران باعث کاهش رنج دیگر شهروندان ایران می‌شود، اما در نگاه وسیع مردم را نسبت به مصرف‌شدن منابع، ذخایر و اموال ملی برای خود ناامید می‌کند؛ به‌نحوی‌که مردم تصور می‌کنند دستیابی دولت به منابع مستقل از مردم است. این امر یکی از مهم‌ترین زمینه‌هایی است که می‌تواند تبعاتی مثل بی‌تفاوتی مردم در قبال مسئولیت‌های اجتماعی را به همراه آورد. کافی است به انواع جریمه‌های مقرر برای دیرکرد پرداخت مالیات یا شعارهای تبلیغاتی دولت برای تشویق مردم به پرداخت مالیات نگاه کنیم؛ با یک درنگ کوتاه درمی‌یابیم که دولت به‌طور ضمنی پذیرفته است که اگر مردم بتوانند تا حد امکان مالیات نمی‌دهند. دولت در نقد این رویکرد فرهنگ مردم را مذمت می‌کند و خواستار پرداخت مالیات می‌شود، درصورتی‌که روی دیگر سکه می‌تواند کاهش اعتماد میان دولت و مردم باشد، زیرا بخشی از مردم باور دارند که تمام منابع در اختیار دولت برای آنها هزینه نمی‌شود. نکته دیگری که در ساختارهای اجرائی در سال‌های اخیر به‌وفور مشاهده شده است و شاید سنگ بنای مهمش در دولت محدود احمدی‌نژاد گذاشته شد، امکان اجرانشدن قانون در فرایند اجرائی است؛ یعنی دولت در مقام عمل گاهی این اختیار را دارد که از اجرای قانون سر باز بزند یا آنکه آن را به سلیقه خود اجرا کند. همین موضوع باعث ایجاد نهادهای موازی، تراکم مراکز تصمیم‌گیری و نبود یک رویه واحد در برخورد با موضوعات کلان و بعضا خرد می‌شود و جامعه نمی‌تواند خود را با یک مناسبت ثابت تنظیم کند. نکته دیگر نبود شایسته‌سالاری در انتخاب مسئولان است. دولت حسن روحانی با شعار استفاده از تمام ظرفیت‌ها پا به میدان انتخابات گذاشت؛ اما در مقام عمل از افرادی استفاده کرد که گاهی بهترین موضعشان سکوت در قبال مشکلات ملی بود. مردم با دیدن چنین وضعیتی احساس دورافتادگی کردند؛ به‌نحوی‌که دولت آنها را در اداره کشور مشارکت نمی‌دهد و از افرادی بهره می‌برد که صلاحیت لازم را ندارند. در نهایت مسئله دیگری که شاید بیش از تمام موارد مذکور اهمیت داشته باشد، بحث توسعه نامتوازن شهرهای ایران است. کم‌اهمیت‌بودن توسعه در شهرهای حاشیه‌ای و محروم مردم نواحی مختلف را سرشار از بی‌تفاوتی به کشور می‌کند. توسعه یکی از مهم‌ترین دلایل دلبستگی شهروندان به محیط زندگی‌شان است، زیرا اگر توسعه و رفاه وجود نداشته باشد، رنج‌های روزافزون باعث دل‌زدگی از محیط می‌شود و این امر واقع را نمی‌توان در بلندمدت با شعارهای مختلف جبران کرد؛ یعنی نمی‌توان مدام به مردم گفت هویت ایرانی و محلی می‌تواند عامل تحمل تمام رنج‌ها باشد. مردم نواحی توسعه‌نیافته یا کمترتوسعه‌یافته وقتی به مظاهر توسعه در شهرهای بزرگ نگاه می‌کنند، احساس تبعیض می‌کنند و این حس تبعیض بیش از هر عنصر فرهنگی دیگر می‌تواند زمینه جدایی دولت با مردم را ایجاد کند و حتی تعلق ملی را کاهش دهد. به‌هرروی دولت نتوانست آن‌طورکه باید انتظارات مردم را محقق کند که این وضعیت می‌تواند پیامدهایی منفی مانند ناامیدی و دل‌زدگی سیاسی مردم را به‌همراه آورد؛ بنابراین ضرورت دارد حسن روحانی در مدت باقی‌مانده دولت با تدوین و اجرای سیاست‌های راهبردی دوباره مردم را به‌سوی خود بازگرداند.

از پیامک‌های تهدیدآمیز تا صندلی کارشناسی سیما

شرق: حلقه محاصره تندروها تنگ‌تر شده، تا جایی که پای گرداننده پیامک‌های تهدیدآمیز به نمایندگان مجلس درباره لوایح مرتبط با FATF به شبکه افق سیما هم باز شده است. موضوعی که صدای مجلسی‌ها را در آورده. علیرضا رحیمی، عضو هیئت‌رئیسه مجلس، دراین‌باره در توییتی نوشته: «حلقه‌گردان شبکه پیامک‌های تهدیدآمیز درخصوص FATF به نمایندگان (خلیل موحد) سر از شبکه افق درآورد و مفسر گام دوم شد! شبکه پیامک تهدیدی علیه نمایندگان با تضمین مصونیت راه بیندازید و از صداوسیما آنتن بگیرید!». نزاع نابرابر حامیان و مخالفان لوایح مرتبط با FATF باعث شده وضعیت دو لایحه پالرمو و CFT از آغاز ورود به مجمع تشخیص مصلحت نظام هم تغییرات زیادی داشته باشد. رئیس کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی مجلس از فضای منفی نسبت به لایحه پالرموی مجلس در آخرین جلسه مجمع حکایت کرده بود. به گفته حشمت‌الله فلاحت‌پیشه فضای منفی از جلسات پیشین مجمع بیشتر شده است، درحالی‌که پیامک‌های تهدیدآمیز به‌همراه لوایح از نمایندگان مجلس به اعضای مجمع منتقل شد و تا تهدید به قتل نیز پیش رفت. موضوعی که مجید انصاری به آن اشاره کرده است. مخالفت‌ها با لوایح مرتبط با FATF به پیامک محدود نبوده است، مخالفان همواره از امکان‌هایی مانند تحصن و طومارنویسی در این زمینه نیز برخوردار بوده‌اند. حالا تریبون تلویزیون را هم باید به این فهرست اضافه کرد.

تریبون سیما در اختیار تندروها

مهرماه سال گذشته معاون سیاسی و امنیتی استانداری خراسان رضوی از خلیل موحد به‌عنوان پشت پرده پیامک‌های تهدیدآمیز از مشهد به نمایندگان مجلس نام برد. محمدرحیم نوروزیان در آن هنگام گفته بود موحد هنوز دستگیر نشده است. چند ماه بعد یعنی اسفند ۹۷ نیز فایلی صوتی از این عضو سابق شورای شهر مشهد افشا شد که در آن با لحن بسیار تندی علیه دولت صحبت می‌کرد. او در آن فایل در مقام سخنران جلسه گفته بود که «اگر در بحث هسته‌ای ضرر کردیم، تجربه بود، اما اگر ادامه پیدا کند، خیانت است؛...

ادامه در صفحه ۳

خبر

به‌مناسبت عید سعید مبعث و سالروز جمهوری اسلامی ایران

موافقت مقام معظم رهبری با عفو یا تخفیف مجازات تعدادی از محکومان

● **پایگاه حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری:** به مناسبت فرارسیدن مبعث حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله و سالروز جمهوری اسلامی ایران (دوازدهم فروردین)، مقام معظم رهبری با پیشنهاد عفو یا تخفیف و تبدیل مجازات یک‌هزار و یکصد و ۱۷ نفر از محکومان محاکم عمومی و انقلاب، سازمان تعزیرات حکومتی و سازمان قضائی نیروهای مسلح موافقت کردند. حجت‌الاسلام‌والمسلمین رئیسی، رئیس قوه قضائیه، در نامه‌ای به مقام معظم رهبری، پیشنهاد عفو یا تخفیف و تبدیل مجازات این محکومان را که در اداره کل عفو و بخشودگی قوه قضائیه واجد شرایط لازم تشخیص داده شده‌اند، ارائه کرد که این پیشنهاد در اجرای بند ۱۱ از اصل ۱۱۰ قانون اساسی مورد موافقت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای قرار گرفت.

گفت‌وگوی تلفنی جهانگیری با استانداران استان‌های سیل‌زده

● **ایسنا:** معاون‌اول رئیس‌جمهوری در مکالمه تلفنی جداگانه با استانداران خوزستان و لرستان و نیز سرپرست استانداری گلستان، آخرین وضعیت مناطق سیل‌زده و نحوه امدادرسانی به سیل‌زدگان را مورد بررسی قرار داد. اسحاق جهانگیری در گفت‌وگو با استانداران استان‌های سیل‌زده بر لزوم اجرای تصمیمات اتخاذشده در جلسات ستاد مدیریت بحران این استان‌ها به منظور کاهش خسارات و آسیب‌ها و همچنین ضرورت همکاری و هماهنگی هرچه بیشتر میان مردم و نهادهای امدادی و دستگاه‌های اجرائی تأکید کرد. او با اشاره به فعالیت سامانه جدید بارشی در کشور، لزوم آمادگی بیش از پیش هم‌وطنان و دستگاه‌های مسئول برای مقابله با حوادث احتمالی را خاطرنشان و تصریح کرد: باید تلاش بی‌وقفه مدیران این استان‌ها برای خدمت‌رسانی به مردم و رفع موانع ادامه یابد.

زیباکلام: نگذاریم پایداری‌ها مجلس را تصاحب کنند

● **نامه‌نیوز:** صادق زیباکلام، تحلیلگر مسائل سیاسی گفت: باید بپذیریم که اصلاح‌طلبان اعتبار اجتماعی خود را از دست داده‌اند و واقعا نمی‌دانم که با چه ظرفیتی می‌توانند در انتخابات امسال شرکت کنند، اما با همه این واقعیات یک موضوع را نباید از نظر دور داشت؛ وقتی اصلاح‌طلبان حضور نداشته باشند یا مردم به آنها رأی ندهند، قطعا نیروهایی که جای آنها را پر می‌کنند، تندروهایی هستند که نشان داده‌اند به مصلحت مردم نمی‌اندیشند. با تمام انتقادهایی که به رویکرد اصلاح‌طلبان داریم باید در انتخابات شرکت کنیم تا نگذاریم نیروهایی مانند پایداری‌ها صندلی‌های مجلس را تصاحب کنند؛ به همین دلیل بی‌تردید منِ زیباکلام در انتخابات شرکت می‌کنم.

ادامه از صفحه اول

سیل ۹۸ و آموزه‌های آن

آیا تذکر کتبی داده است؟ و اگر اعتنا نشده آیا تخلف دستگاه‌های مجری را به دستگاه قضائی ارجاع داده است؟ در سیل گلستان، لرستان و خوزستان وزارت نیرو چه تدابیر پیشگیرانه و چه تمهیداتی اتخاذ کرده است تا رودخانه‌ها سیل را عبور دهند و طغیان نکنند؟ این‌ها مواردی است که باید در کمیته‌ای بررسی شده تا مبنای سیاست‌های جدید شوند. همین موارد در خصوص وزارت راه‌وشهرسازی هم در زمینه نظارت بر ساخت‌وساز در مسیل‌ها و نیز ساختن راه‌ها، پل‌ها، آب‌گذرها و آب‌نماها باید مورد مداقه و سؤال قرار گیرد. البته باید به مأموریت دیگر بخش‌ها هم توجه شود. د: وزارت کشور و استانداری‌ها دو نهاد حاکمیتی و فرابخش هستند و مسئولیت سنگینی دارند. وزارت کشور در جایگاه مدیریت ستاد بحران باید نقش هماهنگی بین‌بخشی، هم در امر پیشگیری و هم در مراحل بروز و تبعات بحران را به‌خوبی ایفا کند. استانداری‌ها در استان‌ها علاوه بر دیگر مسئولیت‌های راهبردی، مسئولیت ستاد بحران استان را دارند؛ بنابراین استانداران باید در قامت یک مدیر بحران و مدیر استراتژیک، همه نهادهای حکومتی و نهادهای مردمی را هماهنگ و مدیریت کنند. اعمال حاکمیت در حفظ بستر و حریم رودخانه‌ها و جلوگیری از تصرفات غیرقانونی حتی در حریم کیفی این عرصه‌ها از اختیارات و وظایف استانداران است. ه: برخی کارشناسان اعم از ذی‌نفع یا بی‌طرف در این فرصت این‌گونه تبلیغ می‌کنند که این سیل ثابت کرد باید بی‌هیچ مانعی نهضت سدسازی ادامه یابد. درست است که سدهای کرخه و دز تعداد معتنابهی از شهرها و روستاهای خوزستان را از خطر سیل و ویرانی مصون نگه داشت، اما نمی‌توان درباره سدسازی حکم مطلق داد. باید توجه کرد که سد به خودی خود نه مفید و نه مضر است. برای ساخت هر سدی باید به اقتضای موقعیت و شرایط اقلیمی، زیست‌محیطی و اجتماعی تصمیم‌گیری شود.

*استاندار پیشین سیستان و بلوچستان و اصفهان